

تحلیل مبانی تصمیم‌گیری عقلایی از منظر قرآن کریم با تأکید بر آرای تفسیری علامه جوادی آملی

عبدالمؤمن حکیمی^۱

چکیده

تصمیم‌گیری، به عنوان ستون فقرات دانش سازمان و مدیریت، همواره موضوعی محوری بوده است. با توجه به تأثیر تصمیم‌گیری بر عملکرد فردی، سازمانی و سرنوشت جوامع، نیاز به رویکردهای جامع‌تر برای فهم مبانی آن احساس می‌شود. این پژوهش، با هدف توسعه فهم تصمیم‌گیری، به منابع اصیل اسلامی، به ویژه قرآن کریم، رجوع کرده و با اتکا به آرای تفسیری علامه عبدالله جوادی آملی، ابعاد نوین تصمیم‌گیری عقلایی را تبیین می‌کند. پژوهش حاضر با به کارگیری «روش استنباطی» در مطالعات قرآنی، مفهوم تصمیم‌گیری عقلایی را از دیدگاه قرآن کریم و تفاسیر علامه جوادی آملی بررسی می‌کند. یافته‌ها نشان می‌دهد که مبانی تصمیم‌گیری عقلایی از منظر ایشان، دارای ابعاد عمیق و چندگانه است که فراتر از چارچوب‌های صرفاً ابزاری یا مادی قرار می‌گیرد. این مبانی شامل معرفت‌شناسی عقلانیت و انسان‌شناسی است. تحلیل دقیق آرای تفسیری ایشان آشکار می‌سازد که در نظام اندیشه علامه، یک چارچوب منسجم و الهی برای تصمیم‌گیری عقلایی وجود دارد که در آن، هر تصمیم فراتر از یک انتخاب فردی، گامی در مسیر کمال و تقرب الهی تلقی می‌شود. نتایج این پژوهش نشان‌دهنده قرآن کریم و تفاسیر غنی آن، به ویژه آثار علامه جوادی آملی، منبعی سرشار و بی‌بدیل برای شناخت عمیق و تبیین جامع مفهوم و مبانی تصمیم‌گیری خردمندانه محسوب می‌شود که می‌تواند به غنای مباحث نظری و عملی در حوزه مدیریت و فراتر از آن، کمک نماید.

کلیدواژه‌ها: تصمیم‌گیری عقلایی، جوادی آملی، معرفت‌شناسی، عقلانیت، انسان‌سی، مدیریت اسلامی



مقدمه

تصمیم‌گیری به‌عنوان سنگ بنای مدیریت و قلب تپنده هر سازمان، نقشی انکارناپذیر و محوری در تمامی فرایندهای مدیریتی ایفا می‌کند. این مفهوم به قدری با مدیریت درآمیخته است که برخی از برجسته‌ترین محققان حوزه سازمان و مدیریت، این دو را دو روی یک سکه و مفاهیمی هم‌پوشان می‌دانند. این هم‌پوشانی ریشه در این حقیقت دارد که تمامی فعالیت‌های اصلی مدیریت، از جمله برنامه‌ریزی استراتژیک، سازمان‌دهی منابع، رهبری کارکنان و فرایند کنترل عملکرد، به شکلی بنیادین به کیفیت و نوع تصمیمات اتخاذ شده وابسته هستند. درواقع، تصمیم‌گیری را می‌توان هسته مرکزی و موتور محرکه مدیریت دانست که موفقیت یا شکست یک سازمان را به شدت تحت تأثیر قرار می‌دهد. کیفیت تصمیمات مدیران، نه تنها مسیر حرکت سازمان را تعیین می‌کند و منابع را به سمت دستیابی به اهداف از پیش تعیین شده هدایت می‌نماید، بلکه عمیقاً بر رفتار، انگیزه و عملکرد کارکنان نیز تأثیرگذار است. تصمیمات درست و منطقی می‌توانند شور و انگیزه را در کارکنان شعله‌ور ساخته و آنان را به سمت تحقق اهداف عالی سازمان سوق دهند، درحالی‌که تصمیمات نادرست می‌توانند موجب سرخوردگی و کاهش بهره‌وری شوند. ازاین‌رو ارتقای مهارت‌های تصمیم‌گیری مدیران، نه تنها یک مزیت رقابتی، بلکه یکی از مهم‌ترین عوامل موفقیت پایدار و ماندگاری سازمان‌ها در محیط‌های پویا و پیچیده امروزی محسوب می‌شود.

با توجه به جایگاه محوری تصمیم‌گیری در حیات سازمانی و اجتماعی و نیز نیاز روزافزون به رویکردهای جامع و اخلاق‌مدار در این حوزه، رجوع به منابع اصیل و غنی اسلامی، به‌ویژه قرآن کریم، اهمیتی دوچندان می‌یابد. قرآن کریم، به‌عنوان کتابی جامع و کامل، نه تنها دربرگیرنده راهنمایی‌های معنوی و اخلاقی برای زندگی فردی است، بلکه پاسخگوی تمامی نیازهای بشری از جمله نیازهای هدایتی و مدیریتی در سطوح مختلف جامعه نیز محسوب می‌شود. در این میان، برای نیل به این هدف، تکیه بر تفاسیر و آرای حکیمانه علامه جوادی آملی که از مفسران برجسته و صاحب‌نظر معاصر در حوزه‌های مختلف علوم اسلامی و فلسفه به شمار می‌رود، انتخابی استراتژیک بوده است. ایشان با



نگاهی جامع و کاربردی به معارف قرآنی، قادر به استخراج رهنمودهای عملی برای مسائل روز جامعه، از جمله مدیریت و تصمیم‌گیری، است.

هدف اصلی این پژوهش، فراتر از یک بررسی صرفاً نظری، ایجاد پیوند عمیق و کاربردی میان آموزه‌های غنی قرآنی و دانش نوین مدیریت است. این تلاش نه تنها به دنبال ارائه رویکرد جدید و اصیل برای تصمیم‌گیری در سازمان‌ها است، بلکه می‌کوشد تا خلأ موجود در ادبیات مدیریتی را که اغلب از ابعاد معنوی و فلسفی تصمیم‌گیری غافل مانده، پر کند. برای دستیابی به این اهداف، در این پژوهش از روش تفسیر موضوعی و تحلیلی توصیفی بهره گرفته شده است. این روش به پژوهشگر امکان می‌دهد تا با تحلیل دقیق مفاهیم و آیات مرتبط با تصمیم‌گیری در قرآن کریم، به مبانی نظری و عملی آن دست یابد. همچنین با کاوش در مطالعات گسترده و غنی علامه جوادی آملی در حوزه قرآن، به تبیین دقیق مبانی معرفت‌شناختی و انسان‌شناختی تصمیم‌گیری از دیدگاه ایشان پرداخته خواهد شد تا روشن شود که چگونه بینش قرآنی می‌تواند زیربنای یک تصمیم‌گیری عقلایی و متعالی باشد.

این پژوهش تلاش می‌کند تا با ارائه مبانی جامع و اصیل تصمیم‌گیری عقلایی مبتنی بر آموزه‌های قرآنی، به مدیران، رهبران سازمانی و پژوهشگران کمک کند تا نه تنها تصمیمات مؤثرتر و کارآمدتری اتخاذ نمایند، بلکه تصمیماتشان از عمق فلسفی و اخلاقی بیشتری نیز برخوردار باشد. با توجه به جامعیت و کمال قرآن کریم، انتظار می‌رود که این کتاب آسمانی به ابعاد مختلف مبانی تصمیم‌گیری، از جمله مبانی معرفت‌شناختی (شناخت صحیح واقعیت‌ها و مبانی ادراکی)، عقلانیت (بهره‌گیری از خرد و استدلال منطقی) و انسان‌شناسی (فهم ابعاد وجودی انسان و تأثیر آن بر تصمیم‌گیری) به شکلی عمیق پرداخته باشد. با بررسی تفاسیر و آرای علامه جوادی آملی، می‌توان به درک عمیق‌تری از این مفاهیم دست‌یافت و از آن‌ها در بهبود فرایندهای تصمیم‌گیری در سازمان‌ها بهره برد. این پژوهش نه تنها به غنای دانش مدیریت و سازمان می‌افزاید، بلکه با ایجاد یک گفت‌وگوی میان‌رشته‌ای غنی بین علوم انسانی و اسلامی، به توسعه مدل‌های تصمیم‌گیری جامع‌تر و مبتنی بر ارزش‌های اخلاقی کمک شایانی می‌کند و مسیر را برای سازمان‌ها به سوی اتخاذ تصمیمات عادلانه و نیل به اهداف عالی هموار می‌سازد.

۱. مفهوم شناسی

۱-۱. تصمیم‌گیری

تصمیم‌گیری^۱ به‌عنوان فرایندی محوری در حل مسئله، عبارت است از انتخاب بهترین راه‌حل یا گزینه از میان گزینه‌های متعدد که هر یک با میزان مشخصی از عدم قطعیت همراه است (رضاییان، ۱۳۸۰: ۱۳۸). بر انتخاب راه‌حل مناسب برای یک مسئله مشخص تأکید دارد، درحالی‌که خوشوقت (۱۳۷۵: ۸۵) آن را انتخاب یک راه‌کار از میان چندین راه‌کار ممکن با درجات مختلفی از عدم اطمینان تعریف می‌کند.

۱-۲. تصمیم‌گیری عقلایی

تصمیم‌گیری عقلایی^۲ به‌عنوان فرایندی بنیادین و استراتژیک در عرصه مدیریت، به‌مثابه جستجوی هدفمند برای شناسایی و انتخاب بهینه‌ترین مسیر عمل در مواجهه با یک مسئله سازمانی تعریف می‌شود. در این رویکرد، هسته اصلی فعالیت تصمیم‌گیرنده بر گزینش گزینه‌ای متمرکز است که نه تنها بیشترین پتانسیل را برای نیل به اهداف و مقاصد تعیین شده سازمان دارا باشد، بلکه با تحلیل دقیق و منطقی، محتمل‌ترین گزینه برای تحقق این اهداف تلقی گردد. همان‌طور که پاریزی (۱۳۹۳: ۲۴۷)، رابینز (۱۳۹۰: ۱۲۰) و سایمون (۱۳۷۱: ۹۹) تأکید کرده‌اند، در فرایند تصمیم‌گیری عقلایی، تصمیم‌گیرنده همواره در پی اتخاذ «بهترین تصمیم ممکن» است. این رویکرد مستلزم آن است که تصمیم‌گیرنده تمامی گزینه‌های موجود را با دقتی فزاینده مورد واکاوی قرار دهد، مزایا و معایب بالقوه هر یک را به‌دقت ارزیابی نماید و در نهایت، گزینه‌ای را برگزیند که بیشترین انطباق و همخوانی را با مجموعه اهداف، ارزش‌ها و استراتژی‌های کلان سازمان داشته باشد. این فرایند نه تنها به حداقل رساندن ریسک‌ها و افزایش اثربخشی منجر می‌شود، بلکه به پایداری و رشد بلندمدت سازمان نیز یاری می‌رساند.

۱-۳. عقلانیت و حیانی

شناخت عقلی، به‌مثابه دانشی بنیادی که حقایق ثابت و روابط علت و معلولی پایدار در

1. Decision making
 2. Rational decision



جهان هستی را توصیف می‌کند، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است و به درک عمیق‌تری از نظام آفرینش کمک می‌کند. در این زمینه، منابع دینی نیز اهمیت بالایی به این نوع شناخت بخشیده و بر همسویی و مکمل بودن عقل و دین تأکید فراوان دارند، به گونه‌ای که این دو نه تنها در تضاد نیستند بلکه مسیر یکدیگر را روشن می‌سازند (جوادی آملی، ۱۳۹۲: ۳۹-۴۶، ۵۳-۵۴، ۱۷۸-۱۹۳). یکی از مهم‌ترین دلایل حجیت عقل، توانایی بی‌بدیل آن در تبیین فلسفه و چرایی احکام و دستورات دینی است؛ زیرا عقل به ما یاری می‌رساند تا به درک عمیق‌تری از حکمت نهفته در قوانین الهی دست‌یابیم و مثلاً به پشتوانه عقلی، چرایی حلال یا حرام بودن برخی اعمال را دریابیم. آفرینش انسان از ابتدا با موهبت عقل و اندیشه عجین بوده است؛ انسان با تفکر در خود و جهان هستی، به وجود خالق پی برده و او را می‌پرستد که این خود نشانه‌ای آشکار از نقش عقل به‌عنوان ابزاری برای شناخت خداوند و نیل به کمال انسانی است. باین‌حال، آیت‌الله جوادی آملی هشدار می‌دهد که اگر از عقلانیت و حیانی به‌درستی بهره‌برداری نشود، عقل هرگز در جایگاه واقعی خود شناخته نخواهد شد و این امر با هدف غایی آفرینش انسان، یعنی عبودیت خداوند، در تضاد خواهد بود. بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که یکی از اهداف اصلی ارسال پیامبران و شرایع آسمانی، هدایت انسان به‌سوی استفاده صحیح و متعالی از عقل است؛ زیرا دین و عقل، همچون دو بال قدرتمند، انسان را به‌سوی کمال پرواز می‌دهند و هرگز نباید آن‌ها را در مقابل یکدیگر قرار داد، بلکه دین به عقل جهت می‌بخشد و عقل به دین عمق و ژرفا می‌دهد (جوادی آملی، ۱۳۷۲: ۱۷۸-۱۷۹؛ همو، ۱۳۹۲: ۷۱).

۲. پیشینه پژوهش

تصمیم‌گیری، به‌عنوان یکی از کارکردهای اصلی و ارکان بنیادین علم مدیریت، همواره موضوعی محوری و موردتوجه پژوهشگران در حوزه‌های مختلف بوده است. در سالیان اخیر، حجم قابل‌توجهی از تحقیقات علمی به بررسی ابعاد گوناگون این فرایند، شامل عوامل مؤثر بر آن، چالش‌های پیش‌رو و راهکارهای ارتقای کیفیت تصمیمات، اختصاص یافته است. به‌عنوان نمونه‌ای از این مطالعات، می‌توان به پژوهش «آینده‌نگری راهبردی در خلق انعطاف‌پذیری راهبردی و تصمیم‌گیری عقلایی» (۱۴۰۱) اثر گل‌بو و یزدانی اشاره کرد. این

تحقیق به‌روشنی نشان می‌دهد که آینده‌نگری، به‌عنوان یک قابلیت راهبردی، نقش بسزایی در تقویت انعطاف‌پذیری سازمانی و در نهایت، بهبود کیفیت تصمیم‌گیری‌ها ایفا می‌کند. علاوه بر قابلیت‌های سازمانی و رویکردهای استراتژیک، عوامل فردی و روان‌شناختی نیز تأثیرات قابل ملاحظه‌ای بر فرایند تصمیم‌گیری دارند. در همین راستا، حق‌شناس گرگابی و رضایی منش در پژوهش خود با عنوان «شناسایی راهبردهای کاهش اثرات احساسات فردی بر تصمیمات خط‌مشی‌گذاران ملی» (۱۳۹۹) به این مسئله پرداخته‌اند. نتایج این مطالعه حاکی از آن است که احساسات فردی، به‌خصوص در مواجهه با تصمیمات کلان و دارای ابعاد ملی، پتانسیل بالایی برای سوق دادن تصمیم‌گیرندگان به سمت گزینه‌های غیرمنطقی و حتی زیان‌بار دارد.

سبک‌های تصمیم‌گیری نیز از دیگر مؤلفه‌هایی هستند که به‌طور مستقیم بر کیفیت و پیامدهای تصمیمات مدیریتی اثر می‌گذارند. در این زمینه، پژوهش قربانی جاجرم و همکاران با عنوان «بررسی نقش میانجی‌گری سبک‌های تصمیم‌گیری عقلایی و شهودی مدیران بر رابطه هوش هیجانی و رفتارهای نوآورانه» (۱۳۹۵)، به مدل‌سازی الگوهای تصمیم‌گیری مدیران و شناسایی عوامل تأثیرگذار بر آن پرداخته است. یافته‌های این تحقیق نشان می‌دهد که هم سبک‌های تصمیم‌گیری عقلایی و هم سبک‌های شهودی، در تعامل با هوش هیجانی مدیران، می‌توانند بر بروز رفتارهای نوآورانه در سازمان‌ها اثرگذار باشند. به‌طورکلی، مروری بر مطالعات پیشین در حوزه تصمیم‌گیری، این نکته را برجسته می‌سازد که مجموعه‌ای از عوامل پیچیده و درهم‌تنیده، از جمله آینده‌نگری راهبردی، وضعیت احساسی و روان‌شناختی افراد و سبک‌های شناختی و رفتاری مدیران (چه عقلایی و چه شهودی)، بر کیفیت و اثربخشی تصمیمات مدیریتی تأثیر مستقیم دارند. شناخت دقیق این عوامل و لحاظ کردن آن‌ها در تمامی مراحل فرایند تصمیم‌گیری، می‌تواند گامی اساسی در جهت ارتقای کیفیت تصمیمات و افزایش کارایی و بهره‌وری کلی سازمان‌ها قلمداد شود. با وجود حجم گسترده تحقیقات در زمینه تصمیم‌گیری و توجه به ابعاد مختلف آن، یک خلأ مهم در ادبیات موجود به چشم می‌خورد: نبود پژوهشی جامع و متمرکز که به‌طور خاص به بررسی مبانی تصمیم‌گیری عقلایی از منظر قرآن کریم با تأکید بر آرای تفسیری



علامه جوادی آملی بپردازد. جستجوی دقیق در پایگاه‌های اطلاعاتی و منابع علمی، نشان می‌دهد که تاکنون هیچ مقاله یا پژوهشی با عنوان دقیق یا موضوعی کاملاً مشابه که به‌طور مستقیم این ارتباط میان تصمیم‌گیری، قرآن و دیدگاه‌های تفسیری علامه جوادی آملی را مورد بررسی قرار داده باشد، یافت نشده است. غالب مطالعات موجود، به ابعاد روان‌شناختی، سازمانی یا فلسفی تصمیم‌گیری در چارچوب نظریه‌های غربی پرداخته‌اند و کمتر به رهیافت‌های اسلامی و قرآنی، به‌ویژه با محوریت آرای مفسران برجسته، توجه کرده‌اند.

لذا، پژوهش حاضر با هدف پر کردن این خلأ تحقیقاتی و ارائه یک رویکرد نوین، بر آن است تا نقش کلیدی فرایند تصمیم‌گیری را نه از منظر نقد یا آسیب‌شناسی صرف، بلکه از دیدگاه تبیین اهمیت آن به‌عنوان ستون اصلی مدیریت، بر اساس منظومه فکری و تفسیری علامه جوادی آملی، مورد بررسی قرار دهد. این تحقیق، به‌این ترتیب، اولین تلاش نظام‌مند برای ارائه یک چارچوب جامع در خصوص مبانی تصمیم‌گیری عقلایی در اندیشه قرآنی علامه جوادی آملی محسوب می‌شود. انتظار می‌رود که نتایج حاصل از این پژوهش، نه تنها به غنای دانش در حوزه‌های علوم قرآن و علوم مدیریت بیفزاید، بلکه به‌عنوان یک پایه محکم و منبع الهام‌بخش برای انجام مطالعات آتی و عمیق‌تر در این زمینه میان‌رشته‌ای، استفاده شود و دریچه‌ای نو به‌سوی فهم جامع‌تر تصمیم‌گیری با رویکرد اسلامی بگشاید.

۳. روش پژوهش

واژه «روش» که از لغت یونانی «متا» به معنای «در طول» و «اودوس» به معنای «راه» گرفته شده، به مفهوم در پیش گرفتن راهی منظم و متوالی برای رسیدن به هدف و مقصود اشاره دارد (کاظمی، ۱۳۷۴: ۲۸-۲۹). این مفهوم، مجموعه‌ای از اقدامات و ابزارهای منظم و منطقی برای دستیابی به هدفی خاص را در بر می‌گیرد (ساروخانی، ۱۳۷۵: ۲۵). فیلیپس شاله بر این باور است که فلسفه علمی، مطالعه روش‌های علمی است که قواعد و ابزارهای لازم برای پژوهش دقیق و معتبر را فراهم می‌آورد (شاله، ۱۳۴۶: ۲۲). در این میان، واژه «استنطاق» که از ریشه (ن ط ق) و به معنای «طلب سخن گفتن» است (ابن منظور، ۱۴۱۴:

۱۰، ۳۰۵؛ طریحی، ۱۴۱۶: ۵، ۲۳۸)، در معنای بازجویی، بازپرسی و اصرار بر دریافت پاسخ نیز به کار می‌رود (ابن فارس، ۱۴۰۴: ۵، ۳۰۳). از دیدگاه شهید صدر، «استنطاق» روشی است که در آن، پژوهشگر با تحلیل وضعیت جامعه، مسائل را شناسایی کرده و آن‌ها را به صورت پرسش‌هایی منظم به قرآن کریم عرضه می‌کند تا پاسخ‌های وحیانی را دریابد (صدر، ۱۴۲۸: ۲۶). این روش که شهید صدر آن را توحیدی و موضوعی می‌داند، با استناد به فرموده حضرت علی^(ع) که «ذَلِك الْقُرْآنُ، فَاسْتَنْطِقُوهُ؛ از قرآن بخواهید تا سخن بگوید»، در فقه نیز کاربرد داشته است (صدر، ۱۴۲۸: ۱۶).

بنابراین استنطاق روشی نوین و پویا در تفسیر قرآن است که در آن، مفسر به جای تبیین صرف آیات، پرسش‌هایی برگرفته از چالش‌های روز جامعه را به قرآن مطرح می‌کند و به دنبال راه‌حل‌های قرآنی برای مشکلات معاصر است، به گونه‌ای که قرآن نه تنها کتابی تاریخی، بلکه راهنمای عملی برای زندگی امروز تلقی می‌شود (صدر، بی تا: ۲۶). شهید صدر معتقد است که استنطاق به معنای تفسیر موضوعی، یعنی طرح پرسش‌های منظم در مورد مسائل و موضوعات جامعه در هر عصر و زمانی به ساحت قدسی قرآن کریم و دریافت پاسخ‌های وحیانی از آن است (صدر، ۱۴۲۸: ۲۶-۲۸). بر این اساس، پژوهشگر ابتدا مسائل اجتماعی را شناسایی کرده و سپس آن‌ها را به صورت پرسش‌هایی منظم به قرآن عرضه می‌کند تا پاسخ‌های لازم را دریافت نماید (صدر، بی تا، ۲۶). به نظر می‌رسد شهید صدر این روش را با توجه به سرعت پیشرفت دانش بشری، خلق نظریه‌های جدید و نیازهای نوپدید جامعه، برای پاسخگویی به این نیازها و کاهش اختلافات مذهبی ابداع کرد (صدر، ۱۴۲۸: ۲۳).

۴. ادبیات علمی

مفهوم «تصمیم‌گیری» که امروزه به عنوان ستون فقرات موفقیت در دنیای پویای کسب و کار شناخته می‌شود، پیشینه‌ای جالب توجه و ریشه در ادبیات بخش دولتی و سازمانی دارد. چستر بارنارد، یکی از مدیران ارشد و برجسته صنعت تلفن در اوایل قرن بیستم، به عنوان اولین کسی شناخته می‌شود که این اصطلاح را از حوزه نظری به عرصه عمل کسب و کار وارد کرد. با گذشت زمان و گسترش کاربرد آن، این اصطلاح به تدریج جایگزین عبارت‌های



کلی‌تر، مبهم‌تر و بعضاً ناکارآمدتری مانند «تخصیص منابع» و «سیاست‌گذاری» شد و جایگاه خود را به‌عنوان یک مفهوم دقیق و عملیاتی تثبیت کرد (لئو بوچانان، ۱۳۸۵: ۵۷، ۷). اهمیت حیاتی تصمیم‌گیری در سازمان‌ها به حدی است که گریفیث (۱۹۵۹) به‌درستی آن را «قلب سازمان و مدیریت» می‌نامد. به اعتقاد او، تمامی فعالیت‌ها، فرایندها و ابعاد مختلف یک سازمان را می‌توان با تمرکز بر فرایند تصمیم‌گیری تبیین و درک کرد. علاقه‌بند نیز با تأیید و بسط این دیدگاه، تصمیم‌گیری را «کلید درک پیچیدگی‌های سازمان و عملکردهای مدیریتی» می‌داند (علاقه‌بند، ۱۳۸۴: ۵۷). به عبارت دیگر، برای فهم عمیق‌تر سازوکار سازمان‌ها و چگونگی عملکرد آن‌ها در محیط‌های پیچیده و رقابتی امروز، لازم است که تحلیل و تمرکز دقیقی بر فرایندها، مدل‌ها و پیامدهای تصمیم‌گیری در آن سازمان‌ها صورت گیرد.

هربرت سایمون (۱۹۶۵)، یکی از تأثیرگذارترین پیشگامان و نظریه‌پردازان علم مدیریت در دهه‌های میانی قرن بیستم، توجه ویژه‌ای به اهمیت محوری تصمیم‌گیری در مدیریت داشت. از منظر او، تصمیم‌گیری نه تنها جزء مهمی از مدیریت است، بلکه در حقیقت «هسته اصلی و مترادف» با خود مفهوم مدیریت محسوب می‌شود (رضاییان، ۱۳۸۰: ۱۳۴؛ الوانی، ۱۳۸۷: ۱۸). سایمون در آثار ماندگار خود، از جمله کتاب مشهور «مدیر به‌عنوان تصمیم‌گیرنده»، به‌طور قاطع بر ضرورت توسعه و ارتقای مهارت‌های تصمیم‌گیری در مدیران تأکید ورزیده است. وی معتقد بود که تمامی وظایف و کارکردهای اساسی مدیریت، از برنامه‌ریزی استراتژیک و سازمان‌دهی ساختارها گرفته تا کنترل عملکرد و نظارت بر فعالیت‌ها، همگی بر پایه اتخاذ تصمیمات مختلف استوار هستند (حاضری، ۱۳۷۳: ۳-۱۸). این دیدگاه بنیادین که تصمیم‌گیری را به‌منزله قلب تپنده و موتور محرکه مدیریت می‌شناسد، به‌طور گسترده‌ای توسط بسیاری از پژوهشگران و صاحب‌نظران حوزه مدیریت پذیرفته شده است. این بدان معناست که هر نظریه، چارچوب یا مفهومی که در حوزه مدیریت مطرح می‌شود، در نهایت به‌نوعی به فرایند تصمیم‌گیری ختم می‌گردد؛ خواه این مفهوم در مورد برنامه‌ریزی استراتژیک بلندمدت باشد، یا سازمان‌دهی ساختار درونی سازمان، یا حتی فرایندهای پیچیده نوآوری و خلق ارزش، در تمامی این موارد، مدیران برای



به عمل در آوردن ایده‌ها و رسیدن به اهداف، ناگزیر از اتخاذ تصمیمات متعددی در سطوح مختلف هستند (تسلیمی، ۱۳۷۸: ۳۹).

تصمیم‌گیری به‌عنوان یک فرایند پیچیده، پویا و چندوجهی شناخته می‌شود که طی آن، مدیران با مواجهه با یک مسئله یا فرصت، از میان مجموعه‌ای از گزینه‌های موجود، بهینه‌ترین و مناسب‌ترین راه‌حل را انتخاب می‌کنند. این فرایند معمولاً شامل مراحل کلیدی متعددی است، از جمله جمع‌آوری و تحلیل دقیق اطلاعات مرتبط، ارزیابی جامع مزایا و معایب بالقوه هر یک از گزینه‌ها و در نهایت، انتخاب گزینه‌ای که بیشترین همسویی را با اهداف سازمانی و معیارهای تعیین‌شده داشته باشد. توانایی در اتخاذ تصمیمات خوب، منطقی، به‌موقع و مؤثر، بی‌شک یکی از حیاتی‌ترین و مهم‌ترین مهارت‌هایی است که یک مدیر موفق باید به‌طور کامل بر آن مسلط باشد (صادق پور، ۱۳۵۶: ۴۷). در مجموع، می‌توان این‌گونه بیان کرد که تصمیم‌گیری نه تنها یک فعالیت مدیریتی، بلکه یک فرایند استراتژیک و حیاتی است که در تمامی سطوح یک سازمان، از تصمیمات کلان راهبردی تا تصمیمات عملیاتی روزمره، نقش محوری ایفا می‌کند. با درک اهمیت روزافزون این موضوع، پژوهشگران و محققان متعددی در سراسر جهان به مطالعه عمیق و همه‌جانبه فرایند تصمیم‌گیری پرداخته‌اند و در نتیجه، مدل‌ها و روش‌های متنوع و کارآمدی را برای بهبود کیفیت تصمیم‌گیری در سازمان‌ها و افزایش اثربخشی آن‌ها ارائه نموده‌اند.

با نگاهی به پژوهش‌های انجام شده در حوزه تصمیم‌گیری، به‌سرعت می‌توان به تنوع چشمگیر رویکردهای موجود در این زمینه پی برد. این رویکردها طیف وسیعی را شامل می‌شوند، از مدل‌های کاملاً «عقلایی» و «منطقی» که بر تحلیل داده‌ها و بهینه‌سازی محض تمرکز دارند تا رویکردهای «شهودی» که بر تجربه، بصیرت و احساسات درونی تکیه می‌کنند و همچنین رویکردهای «مشارکتی» که بر دخیل کردن ذینفعان در فرایند تصمیم‌گیری تأکید دارند و بسیاری دیگر. این تنوع رویکردها را می‌توان به ماهیت پویای فرایند تصمیم‌گیری و وابستگی آن به شرایط و موقعیت‌های مختلف نسبت داد (دفت، ۱۳۸۲: ۱، ۶۸۲).

به عبارت دقیق‌تر، انتخاب رویکرد مناسب برای تصمیم‌گیری به عوامل متعددی بستگی



دارد که از جمله آن‌ها می‌توان به نوع و ماهیت مسئله‌ای که سازمان یا مدیر با آن روبرو است، میزان پیچیدگی مسئله، حجم و کیفیت اطلاعات در دسترس، محدودیت‌های زمانی و منابع و حتی فرهنگ سازمانی و ویژگی‌های فردی تصمیم‌گیرنده اشاره کرد. بنابراین این نتیجه حاصل می‌شود که نمی‌توان یک رویکرد واحد را برای تمامی انواع تصمیم‌گیری‌ها مناسب و بهینه دانست، بلکه انتخاب رویکرد مطلوب همواره نیازمند در نظر گرفتن دقیق و هوشمندانه تمامی عوامل تأثیرگذار و متغیرهای موقعیتی است.

۵. مبانی تصمیم‌گیری عقلایی

در آثار علامه، مبانی متعددی برای تصمیم‌گیری مطرح شده است که به دلیل گستردگی، امکان بررسی همه آن‌ها در این مقاله میسر نیست. این مبانی به‌طور کلی در سه دسته اصلی قابل طبقه‌بندی است: معرفت‌شناسی، عقلانیت و انسان‌شناسی. در پژوهش حاضر، تمرکز ما به‌طور خاص بر روی دو مبنای معرفت‌شناختی و انسان‌شناختی در اندیشه تفسیری ایشان معطوف خواهد بود. این دو مبنا، یعنی معرفت‌شناسی که به چگونگی دستیابی به دانش و شناخت صحیح از جهان و هستی می‌پردازد و انسان‌شناسی که به ماهیت انسان، جایگاه او در جهان و ارزش‌های انسانی توجه دارد، به همراه عقلانیت که شامل شناخت و درک نظری و عملی نسبت به یک موضوع است، ارکان اساسی تصمیم‌گیری را در اندیشه تفسیری استاد شکل می‌دهند. بنابراین با واکاوی این دو مبنای کلیدی، می‌توان به درک عمیق‌تر و جامع‌تری از فرایند تصمیم‌گیری بر اساس منظومه فکری و تفسیری علامه دست‌یافت و ابعاد فلسفی و بنیادین آن را روشن ساخت.

۵-۱. معرفت‌شناسی

در رویکرد غالب بر علوم انسانی و مدیریت مدرن، به‌ویژه مکتب پوزیتیویسم، معرفت تنها از طریق تجربه مستقیم و مشاهده‌پذیر حاصل می‌شود. این دیدگاه، به مفاهیمی همچون وحی، نقل و عقل (در معنای عمیق و فلسفی آن) به‌عنوان منابع معتبر معرفت اعتقادی نداشته و حقیقت را صرفاً محدود به آنچه قابل اندازه‌گیری و آزمایش تجربی است، می‌داند. در مقابل این رویکرد، معرفت‌شناسی قرآنی، وحی را به‌عنوان مهم‌ترین و کامل‌ترین منبع



معرفت معرفی می‌کند. از دیدگاه این رویکرد، دین مجموعه کاملی از باورها، ارزش‌ها، قوانین و احکامی است که توسط خداوند برای هدایت انسان‌ها به سوی سعادت و کمال الهی در دنیا و آخرت تعیین شده است. به عبارت دیگر، دین نه یک ساخته دست بشر، بلکه تجلی اراده الهی است که تمامی ابعاد زندگی انسان را در برمی‌گیرد و رهنمودهایی برای آن‌ها ارائه می‌دهد. آیت‌الله جوادی آملی نیز با تأکید فراوان بر مبدأ الهی دین، بر این باور است که تمامی قوانین فقهی، حقوقی، اخلاقی و حتی اعتقادی دین، همگی از جانب خداوند متعال تعیین شده‌اند. در این نگاه، دین یک سیستم جامع و هماهنگ است که برای پاسخگویی به تمام نیازهای انسان در دنیا و آخرت طراحی شده است. بنابراین معرفت دینی نه تنها در تضاد با معرفت تجربی و عقلی نیست، بلکه آن را تکمیل کرده و به آن عمق و معنای بیشتری می‌بخشد (جوادی آملی، ۱۳۹۲: ۷۳؛ همو، ۱۳۷۲: ۱۱۵؛ همو، ۱۳۸۲: ۷۳).

به باور علامه جوادی آملی، مفهوم «دین» چیزی فراتر از صرف متون مقدس مانند قرآن و روایات است؛ بلکه دین درواقع محتوایی است که از جانب خداوند بر پیامبر نازل شده و این متون صرفاً ابزارها و راه‌هایی برای انتقال آن محتوا به انسان‌ها هستند. به عبارت دیگر، دین به عنوان یک حقیقت اصلی و ثابت در نظر گرفته می‌شود و متون دینی به عنوان واسطه‌ای برای دسترسی به این حقیقت عمل می‌کنند (همو، ۱۳۹۲: ۴۳؛ همو، ۱۳۷۲: ۱۳۶-۷۳). بر اساس این دیدگاه، دین مجموعه‌ای کامل از اصول و ارزش‌هایی است که تمام ابعاد زندگی انسان را از جهان‌بینی و باورهای بنیادین گرفته تا هنجارها و ایدئولوژی‌هایی که رفتار فردی و اجتماعی انسان را شکل می‌دهند، در برمی‌گیرد. دین نه تنها پاسخگوی سؤالات بنیادین انسان درباره هستی و هدف آفرینش است، بلکه راهکارهایی جامع برای رفع نیازهای مختلف او، از جمله نیازهای اجتماعی و مدیریتی، ارائه می‌دهد. یکی از راه‌های درک عمق و گستردگی دین، بررسی فواید و کارکردهای چندگانه آن است. همان‌طور که در کتب کلامی و جامعه‌شناسی مورد بحث قرار گرفته است، دین علاوه بر ارضای نیازهای معنوی انسان، نقشی مهم در سازمان‌دهی جوامع، ایجاد انسجام اجتماعی و پاسخگویی به چالش‌های مختلف زندگی فردی و جمعی ایفا می‌کند. به عبارت دیگر، دین صرفاً



مجموعه‌ای از باورها نیست، بلکه یک نظام جامع است که تمام ابعاد زندگی انسان را تحت تأثیر قرار می‌دهد (همو، ۱۳۹۲: ۷۴-۴۲).

در این نگاه جامع‌نگر، منظور از «عقل» صرفاً به عقل نظری و فلسفی در معنای رایج محدود نمی‌شود، بلکه هر نوع توانایی ادراکی را شامل می‌شود که بر پایه تجربه و استدلال منطقی بنا شده باشد. به عبارت دیگر، عقل در این مفهوم وسیع، هر ابزار شناختی است که ما را از وابستگی صرف به نقل (روایات و متون دینی) رها کرده و به درک مستقل و عمیق‌تر از حقایق کمک می‌کند. عقل نه تنها کلیدی برای ورود به دنیای غنی دین است، بلکه چراغی فروزان است که راه را برای فهم عمیق‌تر متون دینی روشن می‌کند. با استفاده از عقل، می‌توانیم به لایه‌های پنهان وحی دست یافته و مفاهیم دینی را به‌طور دقیق‌تری درک کنیم (همو، ۱۳۹۲: ۷۵؛ ۱۳۸۲: ۷۵). همچنین عقل با کاوش در ساختار و قوانین حاکم بر جهان هستی، به شناخت عمیق‌تر مفاهیم دینی می‌پردازد (همو، ۱۳۹۲: ۵۶). باین‌حال، تأکید بر نقش عقل در کنار وحی به معنای برابر دانستن عقل با وحی نیست. بلکه عقل، به‌عنوان ابزاری برای کشف و فهم محتوای وحی عمل می‌کند، نه اینکه خود منبع اصلی یا محتوای وحی باشد (همان: ۷۵).

بدین ترتیب، عقل به‌عنوان یکی از منابع اصلی و معتبر شناخت، از اعتبار معرفتی بالایی برخوردار است. استدلال‌های عقلی که بر پایه منطق و اصول کلی بنا شده‌اند، توانایی دستیابی به حقایق بنیادینی درباره جهان و هستی را دارند و لذا یافته‌های حاصل از تعقل، ارزش شناختی غیرقابل انکاری داشته و می‌توان به آن‌ها اعتماد کرد. از نظر اعتبار معرفتی، دلیل عقلی هم‌ردیف دلیل نقلی قرار می‌گیرد؛ هر دو این دلایل، با وجود منابع متفاوتشان (عقل از درون انسان سرچشمه می‌گیرد و نقل از بیرون)، نقش حیاتی و مکملی در شناخت دین و جهان ایفا می‌کنند. بنابراین نباید یکی را بر دیگری ترجیح داد و هر دو باید در کنار یکدیگر مورد توجه و بهره‌برداری قرار گیرند. برای دستیابی به یک فهم جامع و دقیق از دین، استفاده هم‌زمان از هر دو دلیل عقلی و نقلی ضروری است. تکیه صرف بر یکی از این دو، به معنای محدود کردن حوزه شناخت و نادیده گرفتن منابع ارزشمند دیگر است. بنابراین باید از حصرگرایی روش‌شناختی پرهیز کرد و با بهره‌گیری از هر دو روش، به یک

درک همه‌جانبه از دین دست یافت. این رویکرد، نه تنها به غنی تر شدن دانش دینی کمک شایانی می‌کند، بلکه از بروز بسیاری از اختلافات و تعارضات در حوزه دین نیز جلوگیری خواهد کرد (همان: ۷۶). در نتیجه، عقل و نقل را می‌توان به مثابه دو بال پرنده شناخت دانست که به طور مکمل یکدیگر را تقویت کرده و انسان را قادر می‌سازند تا به عمق معارف وحی دست یابد (همان: ۶۱). بنابراین علامه جوادی آملی معتقد است که وحی به عنوان منبع اصلی و قطعی معرفت، راهنمای انسان در شناخت حقایق است؛ با این حال، عقل و تجربه نیز به عنوان ابزارهایی برای تفسیر و فهم بهتر وحی و نقل، نقش مهمی ایفا می‌کنند.

۲-۵. عقلانیت و حیانی

عقلانیت و حیانی، به عنوان یکی از مبانی اساسی تصمیم‌گیری عقلایی از منظر قرآن و با تأکید بر اندیشه تفسیری علامه جوادی آملی، فرایندی جامع را پس از شناسایی اولیه مسئله، در سه مرحله پیوسته برای دستیابی به تصمیمی الهی و خردمندانه ترسیم می‌کند. گام نخست، شناسایی و ارزیابی عمیق گزینه‌های موجود است که ریشه در آیه ۱۷ سوره زمر دارد. در تفسیر علامه جوادی آملی، «قول» در این آیه فراتر از صرف کلام، به معنای «روش، منش، خط فکری و سیره عملی» انسان است. بنابراین «یستمعون القول» یعنی مؤمنان با تأمل و دقت به سبک زندگی و باورهای یکدیگر می‌نگرند تا بهترین الگوها را بیابند (همو، ۱۳۹۳، جلسه ۱۷، ۱۳۹۳/۷/۷). این شنیدن فعال، ورای ادراک سطحی کلمات است و به درک ژرفای اندیشه‌ها می‌انجامد. علامه در تبیین آیه «الذین یستمعون القول فیتبعون احسنه»، تفاوت میان «یسمعون» (شنیدن منفعل) و «یستمعون» (شنیدن فعال و تحلیلی) را برجسته می‌سازد. ایشان «یستمعون» را نشانه‌ای از شنیدن عمیق و نقادانه می‌دانند که ویژگی برجسته پژوهشگران و متفکران است؛ آن‌ها باید با عقل خود، حقیقت را از باطل تمیز دهند (همان، جلسه ۱۵، ۷/۲۷، ۱۳۹۳). این رویکرد، نه تنها به شناخت حقایق کمک می‌کند، بلکه ابزاری برای تصمیم‌گیری صحیح و هدایت بخشی نیز است.

گام دوم در این فرایند، انتخاب برترین گزینه در پرتو عقل و وحی است. پس از جمع‌آوری و تحلیل دیدگاه‌های مختلف، گزینش «أحسن الاقوال» (بهترین گفتارها و دیدگاه‌ها) امری حیاتی است که قرآن کریم نیز بر آن تأکید دارد. علامه جوادی آملی، شنیدن فعال را



مقدمه‌ای برای شناخت دقیق حقیقت می‌دانند و با استناد به آیه «فَبَشِّرْ عِبَادِ الَّذِينَ يَسْتَمِعُونَ الْقَوْلَ فَيَتَّبِعُونَ أَحْسَنَهُ»، بیان می‌کنند که مؤمنان با گوش دادن فعال و همراه با تفکر، قادر به تمیز حق از باطل و انتخاب بهترین گزینه خواهند بود (همان، جلسه ۱۶، ۱۳۹۳/۷/۲۸). حقیقت‌جویان باید از محدوده نظرات شخصی فراتر رفته و با مطالعه دیدگاه‌های متفاوت، به شناختی عمیق‌تر از موضوع دست یابند. علامه این گام را در جای دیگر چنین توصیف می‌کند که درک صحیح از هر عصری مستلزم شناخت عمیق افکار حاکم بر آن است و قرآن مؤمنان را به مطالعه ادیان و مکاتب مختلف دعوت می‌کند تا بهترین و صحیح‌ترین راه را انتخاب کنند (همو، بی‌تا، ج ۱: ۵۱). به باور ایشان، قرآن انسان را به رشد و تعالی بی‌نهایت فرامی‌خواند و او را به جستجو و تلاش برای رسیدن به بهترین‌ها تشویق می‌کند (همو، ۱۳۹۳، جلسه ۱۵، ۱۳۹۳/۷/۲۷). قرآن نه تنها سرشار از معارف علمی و عملی است، بلکه در حوزه رفتار اجتماعی نیز رهنمودهای ارزشمندی ارائه می‌دهد و با بیان آیه ذکر شده، مؤمنان را به شنیدن و بررسی آراء مختلف و سپس انتخاب بهترین آن‌ها تشویق می‌نماید. این فرایند به ارتقای معرفت فردی و تعالی جامعه کمک می‌کند (همو، ۱۳۸۳: ۲۲؛ ۱۳۸۱: ۱۷۰).

قرآن کریم، به‌عنوان معجزه جاودان، همواره بر اهمیت «أحسن الاقوال» یا بهترین گفتار تأکید کرده است. این مفهوم از طریق زنجیره‌ای از آیات روشن می‌شود: ابتدا به دنبال بهترین گفتار در جامعه انسانی است، سپس آن را به گفتار دعوت‌کنندگان به توحید محدود می‌کند (فصلت: ۳۳). در مرحله بعد، پیامبر اکرم (ص) را به‌عنوان مصداق بارز و الگوی کامل این گفتار معرفی می‌کند (یوسف/۱۰۸). در نهایت، قرآن به مؤمنان جوینده حقیقت خطاب می‌کند که آن‌ها به‌صرف گفتار نیکو بسنده نمی‌کنند، بلکه در پی بهترین و کامل‌ترین گفتارند که از نظر محتوایی غنی‌تر و از نظر بیان زیباتر باشد (جوادی آملی، جلسه ۱۵، ۱۳۹۳/۷/۲۷). از این رو اقوال به چهار دسته: باطل، غیر احسن، حسن و احسن تقسیم می‌شوند. نکته مهم آن است که ارزیابی یک قول باید بر مبنای محتوا و استدلال‌های آن باشد، نه بر اساس قائل یا ایدئولوژی او. آیه به‌صراحت بیان می‌کند که در ارزیابی اقوال، نباید به قائل آن توجه کرد و نگاه ایدئولوژیک به اقوال را نفی می‌کند. علامه جوادی آملی نیز

تأکید دارد که «الذین یستمعون القول» شامل همه انواع اقوال (تکوینی، تشریعی، اصول دین، فروع دین) می‌شود و در همه موارد باید به محتوا و استدلال‌ها توجه شود، نه به قائل یا ایدئولوژی حاکم بر آن (همان، جلسه ۱۸، ۱۳۹۳/۸/۲۸).

خداوند در قرآن کریم، انسان را به‌سوی بهترین‌ها، هم در گفتار و هم در عمل، فرامی‌خواند. آیه «فَبَشِّرْ عِبَادِ» نشان می‌دهد که قرآن بهترین راه و روش زندگی را ارائه می‌دهد و روش تصمیم‌گیری مبتنی بر عقلانیت از دیدگاه خداوند برتر و مورد رضایت اوست. کاربرد عبارت «فقل» نیز نشان‌دهنده وجوب ترویج این روش تصمیم‌گیری است (همو، ۱۳۸۷(آ): ۸، ۱۳۸). خداوند انسان را به تفکر و انتخاب آگاهانه دعوت می‌کند و به کسانی که با عقل بهترین راه را انتخاب می‌کنند، بشارت می‌دهد (همو، ۱۳۸۱: ۱۱۱).

از این‌رو انسان عاقل، پیش از هر عقیده‌ای، به بررسی و ارزیابی آراء مختلف می‌پردازد و تنها آنچه را که صحیح و سودمند است، می‌پذیرد و بدان عمل می‌کند (همو، ۱۳۸۷(ج): ۲۲). در نهایت، پس از انتخاب بهترین تصمیم، مرحله اجرا و نظارت فرامی‌رسد. موفقیت نهایی هر تصمیمی به اجرای صحیح و کامل آن بستگی دارد. این مرحله نیازمند برنامه‌ریزی دقیق، تخصیص منابع کافی و ایجاد محیطی مناسب برای کار گروهی است تا بتوان به نتایج مطلوب دست‌یافت (همان، (ب): ۲۰۴).

۵-۳. انسان‌شناسی

انسان‌شناسی، شالوده و ریشه تمام علوم است که به بررسی رفتار و کنش‌های انسانی می‌پردازند و دانش سازمان و مدیریت نیز از این قاعده مستثنا نیست. درواقع، انسان‌محور اصلی تمامی فعالیت‌های سازمانی است. با این حال، نظریه‌های اولیه سازمان و مدیریت، تصویری مکانیکی و ساده‌انگارانه از انسان ارائه دادند که در آن، انسان صرفاً به‌عنوان یک عامل اقتصادی و ابزاری برای تحقق اهداف سازمانی در نظر گرفته می‌شد. با گذشت زمان و وارد شدن انتقادات به دیدگاه مکانیکی، نظریه‌های جدیدتری در حوزه سازمان و مدیریت پدید آمدند که سعی در ارائه تصویری جامع‌تر و واقع‌بینانه‌تر از انسان در محیط کار داشتند؛ اما حتی در این نظریه‌های جدید نیز، شناخت انسان ناقص و یک‌جانبه باقی مانده بود؛ بسیاری از ابعاد پیچیده و چندگانه شخصیت انسان، مانند نیازهای اجتماعی،



عاطفی و روانی، به‌طور کامل مورد توجه قرار نگرفته‌اند. به‌طور خلاصه، می‌توان گفت که اغلب نظریه‌های مدیریت، نگاهی تک‌بعدی و محدود به انسان دارند که باعث نادیده گرفتن جنبه‌های مهم رفتار انسانی در محیط کار شده است. نتیجه این امر، می‌تواند بروز مشکلاتی در دستیابی سازمان‌ها به اهدافشان و کاهش رضایت و تعلق خاطر کارکنان باشد. برای بهبود عملکرد سازمان‌ها و افزایش رضایت کارکنان، ضروری است که به جای نگاه مکانیکی، انسان را به‌عنوان موجودی پیچیده و چندبعدی در نظر بگیریم.

اما علامه جوادی آملی در نگاه انسان‌شناختی خود، انسان را موجودی دوبعدی می‌داند. از یک‌سو، انسان دارای نیازهای مادی و غرایز طبیعی است؛ اما از سوی دیگر، انسان موجودی متأله است که روحی بلند و ارتباطی عمیق با خالق خود دارد. این دو بعد، به هم تنیده و هویت انسان را شکل می‌دهند. یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های انسان از منظر علامه، بهره‌مندی از فطرت توحیدی است؛ به این معنا که انسان ذاتاً به یکتاپرستی گرایش دارد و تمایل به شناخت و پرستش خداوند را در درون خود احساس می‌کند. این فطرت الهی، انسان را از سایر موجودات متمایز کرده و او را به‌سوی کمال و سعادت هدایت می‌کند. کرامت ذاتی انسان، از دیگر مبانی انسان‌شناختی در اندیشه علامه است. انسان به‌عنوان اشرف مخلوقات، دارای ارزش و حرمتی والا است و باید مورد تکریم و احترام قرار گیرد. همچنین، خداوند خلافت خود را در زمین به انسان سپرده و او را مسئول اداره امور جهان دانسته است که این مسئولیت، هم فرصتی برای رشد و کمال انسان است و هم او را ملزم به انجام وظایف الهی می‌کند.

علامه دوبعدی بودن انسان را نشانه‌ای از جامعیت وجودی او می‌داند؛ به این معنا که انسان هم با ظاهر (ملک) و هم با باطن (ملکوت) آشنایی دارد و این جامعیت، او را به مقام قرب الهی نزدیک می‌کند (همان، ۱۳۸۹: ۲۸۲). علامه معتقد است آنچه انسان را خاص می‌کند، نه صرفاً توانایی صحبت کردن، بلکه توانایی تفکر درباره خدا و معنای زندگی است؛ به نظر او، انسان به دنبال معنایی فراتر از خود است (همو، ۱۳۸۲: ۱۵). یکی از مهم‌ترین ویژگی‌هایی که ما انسان‌ها را از بقیه موجودات متمایز می‌کند، اعتقاد به وجود یک نیروی برتر (توحیدی) است. علامه معتقد است که این اعتقاد، بخشی از ماهیت



ماست و نیازی به یادگیری ندارد (همو، ۱۳۸۷(آ): ۲۳؛ همو، ۱۳۸۱: ۱، ۳۲؛ همو، ۱۳۸۹: ۳۹ و ۴۰). جزء دیگر مبنای انسان‌شناختی، عنوان خلیفه الله است که جایگاهی والا و رفیع دارد. علامه بر این باور است که مقام خلافت، نشان از نزدیکی انسان به خداوند و مسئولیت او در زمین است (همو، ۱۳۸۲: ۱۷۴-۱۷۶؛ همو، ۱۳۸۱: ۲۸۳-۲۸۶). کرامت انسانی، از دیگر مبانی انسان‌شناسی است. به نظر علامه، کرامت انسان دارای دو بعد است: یکی مربوط به روح و ذات انسان و دیگری مربوط به کرامتی است که انسان با تلاش و تقوا کسب می‌کند؛ از این رو کرامت انسان‌ها متفاوت است (همو، ۱۳۸۱: ۳۳۶؛ همو، (ج): ۱۳۴-۱۳۷). مختار بودن انسان نیز از دیگر مبانی انسان‌شناسی است. ارزش دانش و تصمیم‌گیری در هر حوزه، از جمله مدیریت، به شرط پذیرش اختیار انسان است. علامه جوادی آملی در آثار مختلف، به تبیین این موضوع پرداخته‌اند و اهمیت اختیار انسان را در طراحی سیستم‌های تصمیم‌گیری مبتنی بر قرآن کریم مورد تأکید قرار داده‌اند (همو، ۱۳۸۲: ۳۰۲-۳۰۳ و ۱۵۱-۱۶۲؛ همو، ۱۳۸۹ (ج): ۳۶۸-۳۶۹؛ همو، ۱۳۸۸ (ب): ۳۲۶-۳۲۷).

جمع‌بندی

پدیده تصمیم‌گیری، به‌عنوان ستون فقرات موفقیت در جهان امروز، ریشه‌های عمیقی در ادبیات دولتی و سازمانی دارد و از مفاهیمی چون «تخصیص منابع» و «سیاست‌گذاری» فراتر رفته است. اهمیت حیاتی آن تا بدانجا است که قلب سازمان و مدیریت تلقی می‌شود و تمامی فعالیت‌ها و فرایندهای سازمانی را می‌توان از طریق آن تبیین و درک کرد. برای فهم عمیق‌تر سازوکار سازمان‌ها در محیط‌های پیچیده و رقابتی، تحلیل دقیق فرایندها، مدل‌ها و پیامدهای تصمیم‌گیری ضروری است. این رویکرد، در تقابل با نگاه مکانیکی و ساده‌انگارانه به انسان در نظریه‌های اولیه مدیریت، به انسان به‌عنوان موجودی پیچیده و چندبعدی می‌نگرد؛ موجودی که نه تنها دارای نیازهای مادی و غرایز طبیعی است، بلکه با روحی متعالی و ارتباطی عمیق با خالق خود، جامعیت وجودی‌اش او را به مقام قرب الهی نزدیک می‌کند. از منظر معرفت‌شناسی، این دیدگاه بر تفاوت بنیادین میان «شنیدن منفعل» و «گوش دادن فعال» تأکید می‌کند. «گوش دادن فعال» به معنای تأمل و تحلیل عمیق، ویژگی اصلی



پژوهشگران و اندیشمندان است که با تکیه بر عقل خود، حق را از باطل بازشناسند. این امر در عصری که کثرت آراء و دیدگاه‌ها در حوزه‌های مختلف رو به فزونی است، اهمیت مضاعفی می‌یابد. در این چارچوب معرفتی، مطالعه و بررسی نظرات مخالفان نیز ضروری است، اما با نگاهی نقادانه و نه پذیرش حقایق مسلم. این رویکرد فعال، به فرد توانایی می‌دهد تا به بهترین حقایق دست یابد و صرفاً به شناخت اکتفا نکند، بلکه از آن به‌عنوان ابزاری برای تصمیم‌گیری صحیح و هدایت دیگران بهره‌برد.

مفهوم «عقلانیت و حیانی» در این رویکرد، بیانگر آن است که تصمیم‌گیری عقلایی باید ریشه در آموزه‌های قرآنی و وحی الهی داشته باشد. این مدل سه مرحله اساسی را در برمی‌گیرد: نخست، شناسایی و ارزیابی گزینه‌ها که فراتر از کلام، به درک عمیق روش‌ها، منش‌ها و خطوط فکری می‌پردازد. دوم، انتخاب بهترین گزینه که بر «احسن الاقوال» تأکید دارد؛ یعنی نه تنها حقیقت، بلکه بهترین حقیقت را انتخاب کنیم. این انتخاب باید بر مبنای محتوا و استدلال باشد، نه بر اساس قائل یا ایدئولوژی خاص. این مرحله به انسان امکان می‌دهد تا با جستجوگری نامحدود، به کمال و بهترین ارزش‌ها دست یابد. در نهایت، مرحله سوم، اجرا و نظارت است که بر لزوم تحقق بخشیدن به تصمیمات صحیح در عمل و برنامه‌ریزی دقیق برای آن تأکید دارد.

انسان‌شناسی جامع این دیدگاه، انسان را موجودی با فطرت توحیدی، دارای کرامت ذاتی و جایگاه «خليفة اللهی» معرفی می‌کند که مختار است و مسئولیت اداره امور جهان را بر عهده دارد. این رویکرد، ارزش دانش و تصمیم‌گیری را به پذیرش اختیار انسان منوط می‌سازد. مدل تصمیم‌گیری عقلایی بر پایه عقلانیت و حیانی، راهنمایی جامع برای سازمان‌ها و افراد فراهم می‌آورد تا تصمیماتی اتخاذ کنند که نه تنها از نظر عملی مؤثر و کارآمد باشند، بلکه با کرامت و جایگاه والای انسانی نیز همخوانی داشته باشند و به تعالی فرد و جامعه در تمامی ابعاد زندگی کمک کنند. این دیدگاه، به پیچیدگی‌های احکام دینی نیز با انعطاف و درک عمیق پاسخ می‌دهد و فراتر از صرف کارایی سازمانی، به ابعاد اخلاقی و معنوی تصمیم‌گیری توجه ویژه دارد.

فهرست منابع

- قرآن کریم، (۱۴۱۸)، ترجمه ناصر مکارم، قم: انتشارات دارالقرآن الکریم.
۱. ابن فارس، ابوالحسین احمد، (۱۴۰۴)، معجم مقاییس اللغة، قم: دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم.
 ۲. ابن منظور، ابوالفضل، جمال‌الدین، محمد بن مکرم، (۱۴۱۴)، لسان العرب، بیروت: دار الفکر للطباعة و النشر و التوزیع.
 ۳. الوانی، سید مهدی، (۱۳۸۷)، مدیریت عمومی، تهران: نشر نی.
 ۴. پاریزی، مهدی ایران‌نژاد و پرویز ساسان‌گهر، (۱۳۹۳)، سازمان و مدیریت از تئوری تا عمل، تهران: مؤسسه عالی بانکداری ایران.
 ۵. تسلیمی، محمد سعید، (۱۳۸۷)، تحلیل فرایندی خط مشی‌گذاری و تصمیم‌گیری، تهران: نشر سمت.
 ۶. جوادی آملی، عبدالله، (۱۳۷۲)، شریعت در آئینه معرفت، قم: مرکز نشر فرهنگی رجاء.
 ۷. _____، (۱۳۸۱)، صورت و سیرت انسان در قرآن، قم: نشر اسراء.
 ۸. _____، (۱۳۸۲)، انتظار بشر از دین، قم: نشر اسراء.
 ۹. _____، (۱۳۸۳)، توحید در قرآن، قم: نشر اسراء.
 ۱۰. _____، (۱۳۸۴)، وحی و نبوت در قرآن، قم: نشر اسراء.
 ۱۱. _____، (۱۳۸۶)، رَحِیقِ مَخْتُوم، قم: نشر اسراء.
 ۱۲. _____، (۱۳۸۷ آ)، سیره رسول اکرم (ص) در قرآن، قم: نشر اسراء.
 ۱۳. _____، (۱۳۸۷ ب)، دین‌شناسی، قم: نشر اسراء.
 ۱۴. _____، (۱۳۸۷ ج)، مبادی اخلاق در قرآن، قم: نشر اسراء.
 ۱۵. _____، (۱۳۸۸ آ)، تفسیر تسنیم، قم: نشر اسراء.
 ۱۶. _____، (۱۳۸۸ ب)، شکوفایی عقل در پرتو نهضت حسینی، قم: نشر اسراء.



۱۷. _____، (۱۳۸۸ ب)، شکوفایی عقل در پرتو نهضت حسینی، قم: نشر اسراء.
۱۸. _____، (۱۳۸۹ آ)، ادب فنای مقربان، قم: نشر اسراء.
۱۹. _____، (۱۳۸۹ ب)، تفسیر انسان به انسان، قم: نشر اسراء.
۲۰. _____، (۱۳۸۹ ج)، حیات حقیقی انسان، قم: نشر اسراء.
۲۱. _____، (۱۳۹۲)، عقل در هندسه معرفت دینی، قم: نشر اسراء.
۲۲. _____، (۱۳۹۳)، تفسیر سوره مبارکه زمر، سایت بنیاد بین‌المللی علوم و حیانی اسراء، <http://www.portal.esra.ir>
۲۳. _____، (بی‌تا)، سروش هدایت، قم: نشر اسراء.
۲۴. جوهری، اسماعیل بن حماد، (۱۴۱۰)، الصحاح - تاج اللغة و صحاح العربیة، بیروت: دار العلم للملایین.
۲۵. حاضر، منوچهر، (۱۳۷۳)، تصمیم‌گیری در مدیریت، تهران: مرکز آموزش مدیریت دولتی.
۲۶. حق‌شناس گرگابی، محمد، رضایی منش، بهروز، (۱۳۹۹)، شناسایی راهبردهای کاهش اثرات احساسات فردی بر تصمیمات خط‌مشی‌گذاران ملی؛ مورد مطالعه: نمایندگان مجلس شورای اسلامی، مجله سیاست‌گذاری عمومی، شماره ۴، ص ۱۷۳-۱۹۱.
۲۷. خوشوقت، محمدحسین، (۱۳۷۵)، تجزیه و تحلیل تصمیم‌گیری در سیاست خارجی، تهران: انتشارات وزارت امور خارجه.
۲۸. دفت، ریچارد آل، (۱۳۸۲)، مبانی تئوری و طراحی سازمان، ترجمه: علی پارسایان و محمد اعرابی، تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی.
۲۹. رایینز، استفن پی، (۱۳۹۰)، مبانی رفتار سازمانی، ترجمه: علی پارسایان، سید محمد اعرابی، تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی.
۳۰. رایینز، استفن پی، (۱۳۸۵)، رفتار سازمانی؛ مفاهیم، نظریه‌ها و کاربردها، ترجمه: علی پارسایان و سید محمد اعرابی، تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی.
۳۱. رضاییان، علی، (۱۳۸۰)، مبانی سازمان و مدیریت، تهران: نشر سمت.



۳۲. زبیدی واسطی، سید محمد مرتضی، (۱۴۱۴)، تاج العروس من جواهر القاموس، بیروت: دار الفكر للطباعة و النشر و التوزيع.
۳۳. ساروخانی، باقر، (۱۳۷۵)، روش‌های تحقیق در علوم اجتماعی، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
۳۴. سایمون، هربرت الکساندر، (۱۳۷۱)، رفتار اداری: بررسی در فراگردهای تصمیم‌گیری در سازمان اداری، (ترجمه: محمدعلی طوسی)، تهران: مرکز آموزش مدیریت دولتی.
۳۵. شاله، فیلیپس، (۱۳۴۶)، شناخت روش علوم یا فلسفه علمی، (ترجمه: یحیی مهدوی)، تهران: دانشگاه تهران.
۳۶. صادق‌پور، ابوالفضل، (۱۳۶۵)، چند مقاله در مدیریت، تهران: مرکز آموزش مدیریت دولتی.
۳۷. صدر، سید محمدباقر، (بی‌تا)، مقدمات فی التفسیر الموضوعی للقرآن، بیروت: دارالتوحید الاسلام.
۳۸. صدر، محمدباقر، (۱۴۲۴)، المدرسة القرآنية، بی‌مکان: مؤسسه دارالکتاب الاسلامی.
۳۹. صدرالدین الشیرازی، محمد بن ابراهیم، (۱۴۲۸)، الحکمة المتعالیة فی الاسفار الاربعیة، قم: طلیعه نور.
۴۰. طباطبایی، سید محمدحسین، (۱۳۵۰)، اصول فلسفه و روش رئالیسم، (مقدمه و شرح: مرتضی مطهری)، تهران: نشر صدرا.
۴۱. طریحی، فخرالدین، (۱۴۱۶)، مجمع البحرين، تهران: کتابفروشی مرتضوی..
۴۲. علاقه‌بند، علی، (۱۳۸۴)، مدیریت عمومی، تهران: نشر روان.
۴۳. فراهیدی، خلیل بن احمد، (۱۴۲۵)، العین، قم: الاسوة.
۴۴. فیومی، احمد بن محمد مقری، (بی‌تا)، المصباح المنیر فی غریب الشرح الکبیر للرافعی، قم: منشورات دارالرضی.
۴۵. قربانی جاجرم، زهرا؛ خوراکیان، علی‌رضا؛ ملک‌زاده، غلامرضا، (۱۳۹۵)، بررسی نقش



- میانجی‌گری سبک‌های تصمیم‌گیری عقلایی و شهودی مدیران بر رابطه هوش هیجانی و رفتارهای نوآورانه، مجله مطالعات رفتار سازمانی، شماره ۱۸، ص ۵۱-۸۴.
۴۶. کاظمی، علی اصغر، (۱۳۷۴)، روش و بینش در سیاست، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی.
۴۷. گل‌بو، محمدعلی، یزدانی، ناصر، (۱۴۰۱)، آینده‌نگری راهبردی در خلق انعطاف‌پذیری راهبردی و تصمیم‌گیری عقلایی، مجله مطالعات مدیریت راهبردی، شماره ۲۱، ص ۱۲۷-۱۴۷.
۴۸. لئو بوچانان، اندرو اوکانل، (۱۳۸۵)، تاریخچه تصمیم‌گیری، (ترجمه: عبدالرضا رضایی‌نژاد)، نشریه گزیده مدیریت، سال هفتم، شماره ۵۷.
۴۹. مصباح یزدی، محمدتقی، (۱۳۷۶)، پیش‌نیازهای مدیریت اسلامی، قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
۵۰. مصطفوی، حسن، (۱۴۰۲)، التحقيق فی کلمات القرآن الکریم، تهران: مرکز الکتاب للترجمة والنشر.
۵۱. موسوی خمینی، سید روح‌الله، (۱۳۶۲)، طلب و اراده، (ترجمه و شرح: سید احمد فهری)، تهران: نشر علمی و فرهنگی.